

آینده مبهم آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه

اسپیداکبرپوران | اسپیدارشد جامعه‌شناسی



پس از ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۲) توسط مقام معظم رهبری که سند مادر حوزه آموزش و پرورش به حساب می‌آید تغییر و تحولات عمده‌ای در نظام آموزش و پرورش آغاز شده است. استقراض ۳۰۶ میلیارد تومان در سال تحصیلی جاری این سند بود که مقایسه تحصیلی به حساب

۱۰ سال متوسطه اول و ۱۰ سال متوسطه دوم تغییر داد بر اساس زیرنظام‌های سند تحول بنیادین (اجرای نظام ۳-۳-۶ برنامه سه مرحله‌ای همزمان با تغییر مقاطع تحصیلی متوسطه اول، متوسطه دوم و دبیرستان) تغییر در سالیانه بودجه آموزش و پرورش ۱۱۰۰ میلیارد تومان بود و با استقراض ۳۰۶ میلیارد تومان در سال تحصیلی جاری این سند بود که مقایسه تحصیلی به حساب

نگاه منتقد

پس ساختن آن به تدریج در همه پایانه‌ها تدریس خواهد شد! در حال حاضر کتابی با عنوان تفکر و سبک زندگی (ویژه دختران) و کتاب تفکر و سبک زندگی (مشترک دختران و پسران) در پایه هفتم (پایه اول دوره اول متوسطه) و کتاب تفکر و سبک زندگی (ویژه پسران) در پایه هفتم تدریس می‌شود. همان‌طور که به کرات در رساله‌ها و آکادمی گفته شده است، پیش از این جای خالی آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس به جد احساس می‌شد. پانین یون میژان مهارت‌های مثل مهارت روابط انسانی، مهارت حل مسئله، مهارت تصمیم‌گیری و... در سیستم آموزشی ایران جایز نیست. به ازای این دروس بود از اسن رو باید آغاز این کار را قدم مثبت و رو به رشدی داشت اما به نظر می‌رسد ساختار معیوب نظام آموزشی، فرصت بهره‌مندی از این تغییر را از ما خواهد گرفت و اثر مثبت آن را کاهش خواهد داد.

اول آن که معمولاً دروسی از این دست در مدارس به حاشیه رانده می‌شوند. مدیران کتابهای از این دست را جدی نمی‌گیرند و به آنها به چشم رنگ تفریحی میان دروس جدی و اصلی مثل ریاضی و علوم نگاه می‌کنند. معمولاً تدریس آنها به معلمان دروس دیگر از جمله پرورش، دینی و علوم اجتماعی سپرده می‌شود. گسستگی که تخصصی نیست به محتوای سرترازند مدیران نظام دارد معلم کمی تسلط و تسلیم‌پذیری ندارد. نتیجه آن که این دروس در مدرسه مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته و حالتی داوروی و صورتی به خود می‌گیرند.

البته مشکلات ما به همین جا ختم نمی‌شود. واکنش دانش‌آموزان به کتابهای از این دست خوددستار مغفلی است که نیاز به مطالعه و بررسی دارد. جدا از این که دانش‌آموزان با طبع و ادب و معلمانشان این کتاب را اهمیت تلقی می‌کنند، نسبت به آن حالتی دفاعی نیز دارند. این کتاب در سن بلوغ به نوجوان عرضه می‌شود و آنها در این سن دوست دارند با اعلام بی‌پوزی از دریافت پند و موعظه، ورود خود را به چنان بزرگسالی اعلام کنند. دانش‌آموزان این مسائل، ساختار کتاب نظام آموزشی بالای منبر رفت تا به دانش‌آموز چگونه ریاست را بیاموزند اما هم‌راوی بافتنداری که به صورت سنتی بین معلم و دانش‌آموز وجود دارد. دانش‌آموزان متسخر و تحقیر کتاب‌های زندگی‌بی‌نیازی خود را دریافت این آموزش‌ها نشان می‌دهند، رفتی برای نمایش توانایی و بلوغ.

گفته‌ای از این مسائل، ساختار کتاب نظام آموزشی خود تهدیدی برای این دروس به حساب می‌آید. تاکنون ساختار «حفظی» و «حزب‌محور» نظام آموزشی، کتاب‌ها را از محتوای اصلی خود تهی کرده و به جزئیات سطحی و تستی غیر قابل کاربرد تقلیل داده است. حال بییم آن می‌رود که مهارت‌های زندگی نیز به همین سرنوشت دچار شده در دام «پایه‌های آموزشی امتحان» گرفتار افتد و جزئیات محتوای آن سر از حلقه‌های طبقه‌بندی شده «روایت حال با نظام آموزشی» نمره محو و غیر قابل مشاهده تا ناگاه معلم غیر متخصص و دانش‌آموز مسالجه و متسخر و تحقیر، چه آینده‌ای برای مهارت‌های زندگی آموزشی ما در نظر آید؟
http://www.kanoon.ir/Article/5868

اقتراح

پرستی در باره مقایسه تجربه کشورهای بیشتر فته‌ها بران در رابطه با کارهای مدنی داوطلبانه

از فقدان ساختار دموکراتیک تا حمایت‌های ناکافی

طرح نو آگار خیر و داوطلبانه در ایران خیلی جلدی گرفته نمی‌شود. شاید به این دلیل که تعریف درستی ساختارهای آن از آنرا مشخص و مردم‌پسند به سراسر یکس خوسایند درونی و بی‌اراده دست آوردن رضای خدا تصمیم می‌گیرند که موارد کارها را داوطلبانه شوند. این در حالی است که در کشورهای دیگر ساختار و قوانین جایبی وجود دارد که انگیزه مردم را برای انجام کار خیر بیشتر می‌کند. مثل شکیبای کار کردن نهادها مدنی با امتیازاتی که دولت و کارگان‌های خصوصی برای افراد خیر کار می‌کنند. مطرح نو برای آگاهی از تجربه کشورهای بیشتر فته در رابطه با کار مدنی، سراغ برخی افراد فعالان حوزه‌های مختلف فته و از آنها پرسیده که فاصله‌های بین ایران و کشورهای توسعه یافته در رابطه با کار خیر وجود دارد و آیا به عنوان فعالان مدنی دوست دارند از کدام تجربه کشورهای بیشتر فته در ایران به‌یادمانند؟

شماره‌ای رفته به دانشگاه به کار خیر نیاز دارید



شفیقه فیروزیانیا | مدیر انجمن فیروزینا

داوطلبانه است. یعنی از افرادی که متقاضی بستن در دانشگاه هستند، می‌خواهند که همه تجربه‌های کار خیر خود را از کودکی و از امر دیگر ذکر کنند تا بتوانند امتیاز بیشتری به دست بیاورند. البته این به این معنا نیست که همه افراد از کودکی مجبورند به وارد کار خیر شوند اما در واقع برای عمل خیر افراد با پشت با امتیاز خاصی در نظر گرفته نمی‌شود. برای همین هم خیلی وقت‌ها با به سن گذاشتند تصمیم می‌گیرند که یک کار خیر را شروع کنند اما برای به چالش است که در کشورهای بیشتر فته امتیازات زیادی برای افرادی که کار خیر انجام می‌دهند در نظر گرفته می‌شود. مثلاً خود من در کاتکات زندگی می‌کنم و بسیاری این که بتواند در یک دانشگاه خوب تحصیل کند، باید حدی از امتیاز را به دست آورد و اتفاقاً یکی از گزینه‌هایی که همیشه در امتیاز گرفتن نقی دارد، فعالیت در کارهای خیرخواهانه و

موسسات در مدنهادها، مسکن‌های مقنطی



محبوبه خورام | مدیر انجمن برنا

که خلاقی کرده باشی، انتقادی نمی‌افتد اما در ایران برعکس است. سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای مختلف شکیبای کار می‌کنند. مثلاً در حوزه معلولان همه یک شبکه را ایجاد کرده و مسای اختصاصی می‌شوند. تمامی حوزه‌ها هم از توأمندسازی، فرهنگ‌سازی، حساس‌سازی جامعه، درمان و... مورد بررسی قرار می‌دهند. من سال‌هاست عضو شبکه ارتباطی سازمان معلولان غیردولتی نیان ایران هستم. این شبکه پیش از هزار سازمان حضور بود دارد. این شبکه از جمله شکیبای است که در ارتباط با حوزه زنان کار تخصصی انجام می‌دهد. در بحث قانونی و و... می‌شود اما برای مثال در کشور شبکه معلولان نداریم. بهاره‌ها سازمانی این شبکه راهم داشته‌اند اما بقیه همکاری از نیان ندارند. یکی از اختلافات کاسخ در این است. در خارج از کشور شبکه‌های وجود دارد که فقط برای معلولیت دست است و از این جهت کارهای اساسی انجام می‌دهند. در ایران ممکن است کارهایی انجام دهند اما مانند نیان نیستند و تنها مسکن مقنطی هستند. مسکن مقنطی در لحاظ کاسخ باید بوده باشم اما کیفیت‌ها خوب نیستند و همین فرق ما با کشورهای است که خیلی دقیق در این حوزه گام برداشته‌اند.

کاسی می‌شد ساختارها را تغییر دهم



زهره نامینی | رئیس انجمن خدمات میانگانه

زیاد و غیرموتور واکنش نشان دهند. سند اول ایراد گرفت اما واقعیت این است که اگر آن‌ها بخواهند موتو باشند و رسالت‌شان را انجام دهند باید در کاسی کمی از زمان واکنش کارهای آموزشی بدون چالش‌های روزمره مشغول فته شوند و درگیر خیرهای مثل ماجرای دموکراتیک در ایران در زمان خیلی کمی اتفاق می‌افتد و واکنش‌ها باید در کمترین زمان باشد. این انجمن‌ها را خیلی دیر به جواب می‌رسند یا تأثیر خیلی نامحسوس و آرام‌شاید در زمانی دارند. واقعاً ساختاری که در آن رازی گویی شود و نظرات همه شنیده شود، در این زمان به نتیجه نمی‌رسد. بنابراین باید غیرموتور واکنش عمل شود. یعنی چندین دروس تصمیم‌گیری باشد و به نتیجه برسند اما فاصله زمانی خیلی اگر نمی‌توانید امتیاز مثبت خود از برای خد، خد احساس منفی را که می‌توانید به بین سبب وجود و از برای احساسات پرخاشگرانه تقویت شده و ارزش تلقی می‌شود. متأسفانه از احساسات مثبت در خانواده‌های مسال‌ارسان در این چندسال اخیر به نچو، نردست‌شده‌اند. خود مداری می‌گفت آخر اگر به بچه‌ها روی خوش نشان دهیم، بروز می‌شود اما این طرز فکر نردست‌شده خومان ریشه عقده‌های سوختن را در فرزندمان قوت می‌بخشیم و نه آنها بساد می‌دهیم که احساسات خوب و بیای این دردمساز و احساسات منفی و بروز بین آنها این است! با حداقل پدیده‌ها شه‌تر است و به همراه افتاد این فکر و باورها به فرزندمان، خود، بشر انواع اختلالات در آنها پراور ساخته و آنها را برای رفتار ناهنجارشان در جمعه‌ها پرورش داده‌ایم.



برترت

بیان احساسی مساوی است با عقده‌های نشدن



فرزانه رسته | کارشناس ارشد روانشناسی

خودمند و با کسب بهترین نمرات، بسیار تلاش کردم اما در درس شما کمترین نمره اگر گرفته که می‌دانم محتم نیست. بالاخره روزی بوم من هم می‌رسد استاده، من عقده‌های من از کاسی یاد گرفتم، من هم روزی تلافی خواهم کرد. موسسوع از این فرایده که یکی از تصمیم‌هاشم بهترین نشود. تدریس را جزو امتیاز محتم حساب می‌کنم. خاترم‌آرام با آن استاد قدیمی اقدام احساسی آن دانشجو را کاملا درک می‌کردم. انگار او گذشته من بود، با این تفکرات که من جرأت و بی‌زبان بودن این عبارات را به استاد داشته‌ام و او این جرأت را به خرج داد. آن دانشجو در تشخیص داده بود من عقده‌های خود را به حقیقت رسا به وجود اسنم ناز می‌توانم که در گذشته برای پیش‌بینی آینده‌ها، جاسی در ذهن من مشغول بودم. که احساسات و آرزوی رهایی مراد بود منقتول شده بود احساسی که جرأت خروج در گذشته را پیدا کرده بود. پس از سال‌ها متراکم و شمن جمن در ذهن من، حالا به شکل یک عقده بروز یافته بود و آن ایجاد کردن همان خلد بدی که خودم تجربه کرده بوم برای دیگران بود. دانستی که تاکر کردم، خاترم‌آرام از استاده دوران تحصیل‌بوده‌ام، در ادامه گریزی داشتند بر تعریف عقده بود من منظور عموم از واژه عقده‌های من چیست. در واقع عقده‌ها همان احساسی بیان‌شده است. عقده‌ها هر چه می‌تواند باشد شده و به شکل یک گره روی در زمینه‌های شکل خلد خاترم‌آرام با آن وقت است که رفتارهای فرد در آن زمینه خاص حاکی از نوعی احساس خشم و ناز می‌تواند است که اکنون به وقت است که رفتارهای فرد در آن زمینه ظهور می‌یابد. ما روزانه در ارتباط‌ها ما با دیگران عقده‌هایمان را نشان می‌دهیم، به نچو که در اکثر این‌ها خود از این موضوع آگاهی‌ندیم. شاید بتوان اینگونه بیان کرد که بیشتر خجوت‌ها و پرخاشگری‌ها که افراد نسبت به دیگران در داشته‌اند همین عقده‌ها احساسات بیان‌شده در گذشته است. قابل ذکر است

روزها، روزهای بدی بودند. پس خسته‌شدم، غمگین، بی‌خواب، نرسد بوم، با خود فکر می‌کردم من هم روزی تلافی خواهم کرد. موسسوع از این فرایده که یکی از تصمیم‌هاشم بهترین نشود. تدریس را جزو امتیاز محتم حساب می‌کنم. خاترم‌آرام با آن استاد قدیمی اقدام احساسی آن دانشجو را کاملا درک می‌کردم. انگار او گذشته من بود، با این تفکرات که من جرأت و بی‌زبان بودن این عبارات را به استاد داشته‌ام و او این جرأت را به خرج داد. آن دانشجو در تشخیص داده بود من عقده‌های خود را به حقیقت رسا به وجود اسنم ناز می‌توانم که در گذشته برای پیش‌بینی آینده‌ها، جاسی در ذهن من مشغول بودم. که احساسات و آرزوی رهایی مراد بود منقتول شده بود احساسی که جرأت خروج در گذشته را پیدا کرده بود. پس از سال‌ها متراکم و شمن جمن در ذهن من، حالا به شکل یک عقده بروز یافته بود و آن ایجاد کردن همان خلد بدی که خودم تجربه کرده بوم برای دیگران بود. دانستی که تاکر کردم، خاترم‌آرام از استاده دوران تحصیل‌بوده‌ام، در ادامه گریزی داشتند بر تعریف عقده بود من منظور عموم از واژه عقده‌های من چیست. در واقع عقده‌ها همان احساسی بیان‌شده است. عقده‌ها هر چه می‌تواند باشد شده و به شکل یک گره روی در زمینه‌های شکل خلد خاترم‌آرام با آن وقت است که رفتارهای فرد در آن زمینه خاص حاکی از نوعی احساس خشم و ناز می‌تواند است که اکنون به وقت است که رفتارهای فرد در آن زمینه ظهور می‌یابد. ما روزانه در ارتباط‌ها ما با دیگران عقده‌هایمان را نشان می‌دهیم، به نچو که در اکثر این‌ها خود از این موضوع آگاهی‌ندیم. شاید بتوان اینگونه بیان کرد که بیشتر خجوت‌ها و پرخاشگری‌ها که افراد نسبت به دیگران در داشته‌اند همین عقده‌ها احساسات بیان‌شده در گذشته است. قابل ذکر است

پس از ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۲) توسط مقام معظم رهبری که سند مادر حوزه آموزش و پرورش به حساب می‌آید تغییر و تحولات عمده‌ای در نظام آموزش و پرورش آغاز شده است. استقراض ۳۰۶ میلیارد تومان در سال تحصیلی جاری این سند بود که مقایسه تحصیلی به حساب